

## متن پرسش

بسمه تعالی. سلام علیکم: اسعدالله ایامکم. ۱. پرسش از انقلاب اسلامی، پرسش از هویت انسانیت؛ انقلاب را تنها انسان هایی می بینند که انسان های اهل خلوت اند؛ انسان هایی که درکی از خود دارند. انسان هایی که صاحب ارزش اند. انسان هایی که جنگ با نفس را یافته اند، درد این جنگ را چشیده اند؛ بستر انقلاب اسلامی تنها برای آنهایی معنا دارد، و تنها کسانی نقشی پیش برنده در این بستر دارند که نسبت خود را با هویت انسانی شان در نسبت فردی یافته اند و اینک بدنبال یافت هویت خود در بستری بس عظیم اند. انقلاب اسلامی چیزی خارج از یافت انسانی نیست بلکه هر انسانی در مسیر آرمان خود او را بدون شک باید بیابد! حضور آدمی در انقلاب اسلامی حضور در ظهور غوغای درونی هر انسان است. انقلاب اسلامی کارزار انسانیت است؛ هرچه انسان تر، انقلابی تر! و هر انسان صاحب عزمی و هر انسان خفته ای و هر انسان دیو صفتی می تواند با دید زمانه شناسی به انقلاب جایگاه خود را نسبت به او بیابد؛ صاحب عزم، ذوب در آنست خفته را نمی دانم کجا می ایستد اما دیو صفت، همینی می شود که در بزرگ و کوچک غرب می بینید؛ کم می خورند، کم می خوابند تا جواب شهوت پولادین خود را با غضب به این بستر ارضاء کنند. هرچند صاحبان عزم جلو دار تاریخ اند، اما بنابر اقصای طبیعی نسبت انسانی آنها با انقلاب، همیشه در رنج اند. اما جامعه ما بیشتر از خفتگان است؛ خفتگانی که مدعی هستند و مع الاسف جایگاه هایی را اشغال می کنند که در نسبت با یک جهان باید پیش روند، اما نهایتاً بدنبال پیشبری افرادی معدود درجا می زنند. این یعنی بلاهت، یعنی نفهمیدن و مسئولیت ربودن، یعنی اهل خلوت نبودن، یعنی انسان نبودن...! ۲. در کتاب مبانی معرفتی مهدویت ص ۸۰ فرمودید: روایت بدین مضمون داریم که کسی در مبانی دینی زیاد فکر نکند اما زیاد کار کند احتمال بدهید منافق است. می شود زحمت بکشید آدرس روایت را بدهید؟

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. آری! همین طور است که می فرمایید. آن کس که در این زمانه برای ما افق حضور در آینده را گشود و دروازه امید را برایمان باز کرد، حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» بود، او بود که دروازه امید را روی ما گشود. همان طور که انسان های عادی از درخت، شاخه و میوه را می بینند و نه تنه و ریشه را و نه زمین و آبی که این درخت نسبتی عمیق با آن دارد، در همین رابطه با حضوری که باید در نزد خود داشته باشند یعنی از تاریخی که انسان ها با معنویت خود رمز بقای جامعه می گردند؛ غافل می باشند و از روحی که از طریق قرآن و روایات در این آخرالزمان طراوت ما را پایدار

می‌کند، نیز غافل‌اند. این است غفلت بزرگ که به تعبیر جناب‌عالی همان بلاهت است و نه بلاهتِ فردی، بلکه بلاهت تاریخی ۲. این نکته‌ای است که عدم تفقه در دین، از خصوصیات نفاق است. حال باید با توجه به این نکته، روایات این‌چنینی را جستجو کرد و در حال حاضر روایت خاصی در نظر ندارم. ولی فکر می‌کنم اگر مطلب را دنبال بفرمایید نکات خوبی به دست می‌آید. موفق باشید